

پژوهش های جغرافیایی - شماره ۵۶، تابستان ۱۳۸۵

صص ۱۶۱-۱۷۲

تنگناهای توسعه فیزیکی - سکونت در روستاهای دره ای غرب شهرستان مشهد

دکتر سید حسن مطیعی لنگرودی* - استاد دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

دکتر حسینی فرجی سبکیار - استادیار دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

حکمت شاهی اردبیلی - دانشجوی دوره دکتری، دانشگاه فردوسی مشهد

منصور رضا علی - کارشناس پژوهشی دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

دریافت مقاله: ۸۴/۸/۲۹

تائید نهایی: ۸۵/۱/۲۵

چکیده

روستاهای دره ای غرب شهرستان مشهد که در ارتفاعات بین ۱۴۰۰ تا ۱۹۰۰ متری از سطح دریا در بخش طرهبه شهرستان مشهد و در دامنه شمالی رشته کوه های بینالود استقرار یافته اند، به دلیل ناهمواری و شیب تند اراضی با مشکلات بسیار در زمینه توسعه فیزیکی به ویژه در بخش مسکن و تأسیسات مواجه می باشند.

مطالعات انجام شده روی دویست خانوار نمونه از ۱۷۹۶ خانوار ساکن در روستاهای نمونه نشان می دهد که تنگناهای فیزیکی موجود سبب مهاجرت و کم جمعیتی روستاهای دره ای مورد مطالعه گردیده و بعضی از روستاها در حال تخلیه جمعیت می باشند؛ در حالی که تعداد زیادی از این روستاها دارای موقعیت بسیار مناسب توریستی - به ویژه به لحاظ استقرار در حاشیه شهر پر جمعیت و زیارتی مشهد - بوده و برنامه ریزی های لازم می تواند موقعیت مناسبی را از نظر جذب و ماندگاری جمعیت در این روستاها سبب گردد.

واژگان کلیدی: روستاهای دره ای، توسعه فیزیکی روستاها، مسکن روستایی، برنامه ریزی روستایی، شهرستان مشهد.

مقدمه

روستا؛ محیط زیست، فعالیت و تولید گروهی از انسان هاست که عمدتاً با تکیه بر توان تولیدی فضای زیستی خود، به تولید و بهره وری مشغولند و دارای جمعیت و امکانات کمتری نسبت به شهر است (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۰، ص ۲۱۷).

* E-mail: shmotiee@ut.ac.ir

بنابراین توجه به فضاهای روستایی در جهت تأمین امکانات کافی برای جمعیت ساکن در آن از الزامات برنامه ریزی روستایی است. بین روستاهای کشور از نظر فیزیوگرافی، روستاهای دره ای غرب شهرستان مشهد به دلیل تنگناهای فیزیکی به ویژه کمبود اراضی هموار برای فضای مسکونی و تأسیساتی، در ردیف روستاهای مسئله دار کشور می باشند. انجام طرح های عمرانی و توسعه ای در این روستاها نسبت به سایر نواحی روستایی با تأخیر بیشتری مواجه بوده است. برای برون رفت از کمبودهای موجود در روستاهای دره ای، شناخت پتانسیل های موجود در آنها و انجام برنامه های فیزیکی و توسعه ای همسوی با توان های، از نیازهای به روز این روستاها می باشد؛ زیرا در حال حاضر بسیاری از جمعیت روستاها در حال درک تفاوت های زیستی موجود در فضاهای مختلف سکونتی - روستایی و شهری، به ویژه در روستاهای مسئله دار - می باشند.

مشکلات شدید زیستی در روستاهای مورد بحث، تصمیم به مهاجرت را برای ساکنان آنها قوت بخشیده و کم جمعیتی و تخلیه این روستاها با شدت بیشتری عملی می گردد. برنامه ریزی فیزیکی این روستاها با بهبود شرایط زندگی از طریق رشد فعالیت های اقتصادی و اجتماعی همراه بوده و ماندگاری جمعیت روستایی را سبب خواهد شد.

در این روستاها شیب تند اراضی در موقعیت استقرار، تراکم، پراکندگی و اندازه جمعیت سکونتگاه ها و فعالیت های اقتصادی آنها مؤثر بوده و در توزیع انواع خدمات تأثیر می گذارد. همچنین شکل گیری روستاها به امکانات تولیدی موجود در بعضی از مکان ها و فضاها به ویژه به همواری اراضی وابسته است.

در مطالعات انجام شده مشاهده گردیده است که تفاوت بسیار شدیدی از نظر زیستی در تیپ های مختلف روستاها دیده می شود؛ به طوری که روستاهای دره ای و کوهستانی با مشکلات شدیدتری نسبت به سایر روستاها مواجه می باشند. بررسی تنگناها و مشکلات فضای مسکونی و توسعه فیزیکی روستاهای مورد مطالعه این تحقیق (ابرده علیا، ازغند، جاغرق، دهبار، زشک، کنگ و نقندر) نشان می دهد که روستاهای دره ای مستقر در طول دره ها و شیب تپه های غرب شهرستان مشهد با مشکلات شدید کمبود اراضی هموار برای انواع ساخت و سازها و به ویژه در بخش مسکن روستاییان مواجه بوده و ریزش های تخته سنگی، لغزش های ناگهانی زمین و جاری شدن سیل از جمله فرآیندهای مخرب است که همواره جان و مال ساکنان روستاهای دره ای را تهدید می کند و لذا مهم ترین مشکلات روستاهای دره ای غرب شهرستان مشهد کمبود فضای مسکونی و تأسیساتی برای انواع کاربری ها است (مطیعی لنگرودی ۱۳۸۴، ص ۱۶۷).

با توجه به موارد ذکر شده، این پرسش ها مطرح می شود که آیا کاهش جمعیت در روستاهای دره ای غرب شهرستان مشهد تحت تاثیر ارتفاع و توپوگرافی منطقه است؟ و شرایط توپوگرافی دره ها و فرآیند حاکم بر آنها مشکلات سکونتی و زیستی خاصی را فراهم آورده و توسعه فیزیکی روستاها را برای استقرار جمعیت با مشکل مواجه کرده است؟ بنابراین با در نظر داشتن پرسش های عنوان شده، فرضیه زیر را می توان برای این پژوهش مطرح کرد: کمبود فضای مسکونی و عدم توسعه فیزیکی، با ارتفاع روستاهای دره ای غرب شهرستان مشهد رابطه دارد. این مقاله نتیجه مطالعات انجام شده در روستاهای دره ای غرب شهرستان مشهد و از نوع تحقیقات کاربردی است. روش آن نیز از نوع روش همبستگی یا همخوانی^۱ می باشد، که با

^۱ Correlational and Associational.

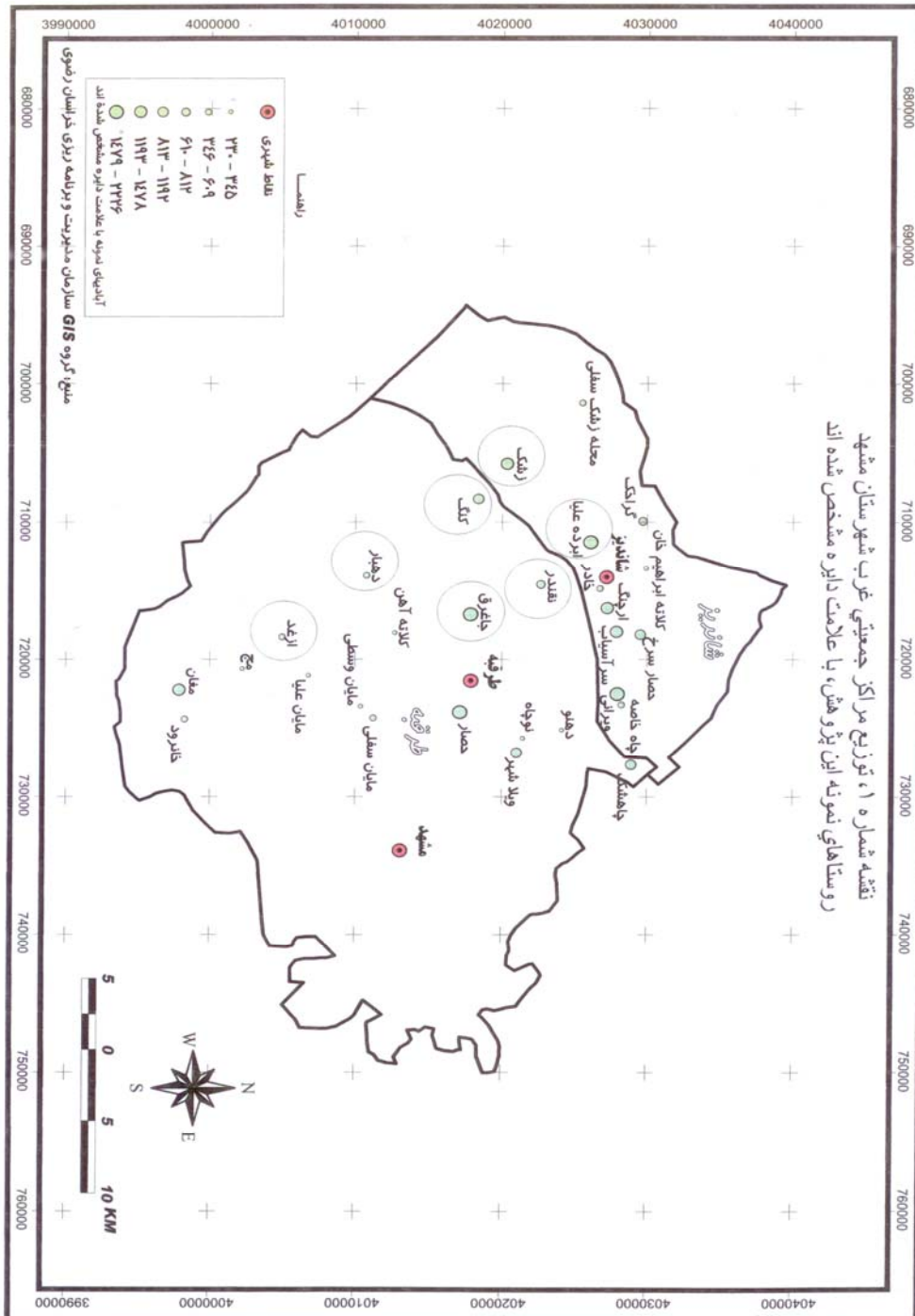
توجه به ماهیت تحقیق و نوع داده ها برای جمع آوری اطلاعات در سطح روستاها از پرسشنامه استفاده شده است. اطلاعات و داده های خام تحقیق از هفت روستای نمونه دره ای غرب شهرستان مشهد جمع آوری گردیده است. برای تبیین روابط بین متغیرها پس از کسب اطمینان از توزیع نرمال داده ها، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده و کلیه عملیات پردازش داده های خام در برنامه نرم افزاری SPSS توسط رایانه انجام شده است. روش نمونه گیری در این مطالعه، نمونه گیری ساده است. در این روش هر یک از عناصر یا اجزای تشکیل دهنده جامعه آماری - روستاها و یا خانوار روستایی - از امکانی خاص و یا مستقل برای انتخاب شدن برخوردارند (ساروخانی ۱۳۷۷، ص ۱۱۰). نمونه های آماری این پژوهش، هفت روستا از سی روستای دره ای غرب شهرستان مشهد بوده که از بین ۱۷۹۶ خانوار ساکن در این روستاها، تعداد دویست خانوار به طور تصادفی انتخاب و بررسی گردیده اند.

جدول ۱- مشخصات روستاهای نمونه

ردیف	نام روستاها	جمعیت به نفر در سال ۷۵	جمعیت به نفر در سال ۸۲	ارتفاع روستا به متر	حوضه آبریز
۱	جاغرق	۲۲۲۶	۲۲۰۲	۱۴۲۰	گلستان
۲	دهبار	۶۰۹	۴۱۰	۱۶۴۰	گلستان
۳	ازغند	۵۲۶	۴۲۰	۱۶۸۰	گلستان
۴	کنگ	۱۱۹۲	۹۴۶	۱۷۰۰	شاندیز
۵	نقندر	۸۱۲	۷۱۵	۱۴۰۰	شاندیز
۶	زشک	۱۳۷۱	۱۲۶۴	۱۸۸۰	شاندیز
۷	ابرده علیا	۲۲۱۹	۲۱۵۲	۱۴۷۰	شاندیز

ماخذ: مرکز آمار ایران، سال ۱۳۷۵ و خانه بهداشت روستاهای نمونه سال ۱۳۸۳ و فرهنگ آبادی ها و ...

نقشه ۱- موقعیت روستاهای درّه ای و روستاهای نمونه این تحقیق را در غرب شهرستان مشهد نشان می دهد.^۱



۱- سازمان مدیریت و برنامه ریزی خراسان رضوی، گروه GIS.

تنگناهای مسکن روستایی دره ای

الگوی سکونت در هر مکانی در ارتباط با عوامل مختلف طبیعی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و... شکل می گیرد. در واقع الگوی سکونت بازتابی است از نحوه معیشت، تفکر، تکنولوژی و درجه توسعه یافتگی انسانی که آن را طرح ریزی می کند. بنابراین نقش مسکن، کارکردها و الگوهای آن در مناطق مختلف، متفاوت است (وثوقی ۱۳۷۷، ص ۴۴). یکی از مشکلات اساسی در روستاهای دره ای، تأمین فضای کافی برای ساخت و سازها به ویژه مسکن روستایی است. مسکن پناهگاه و اقامتگاه انسانی زائیده مهم ترین احتیاجات انسان ها است، به طوری که به صورت یکی از عناصر مهم تشکیل دهنده کانون زندگی فرد در آمده است (تولون ۱۳۷۴، ص ۵۶). مسکن روستایی را می توان تجلی گاه شیوه های زیستی، معیشتی و نهایتاً نیروها و عوامل مؤثر محیطی و روندهای اجتماعی - اقتصادی تأثیرگذار در شکل بخشی به آنها دانست (سعیدی ۱۳۷۳، ص ۵۱).

در حالی که مسکن یکی از عمده ترین پارامترهای توسعه است، روستاهای دره ای به دلیل واقع شدن در جوار کوهستان ها دارای محدودیت فضای مسکونی می باشند و در این راستا با تنگناها و مشکلاتی روبه رو هستند. متأسفانه اغلب روستاییان ایران در مسکن غیر مکفی و با وسایل تهویه ناقص و تاریک زندگی می کنند که نامناسب بودن وضعیت بهداشت مسکن روستاییان بسیار جدی است (شهبازی ۱۳۷۶، صص ۴ و ۵). لذا برای درک کامل مشکلات، شناخت وضعیت مسکن روستایی ضروری است. زیرا واژه مسکن در جغرافیا مترادف با خانه نیست، بلکه سهمی از فضای قابل سکونت است که با واسطه خانه ها و ملحقات آنها اشغال شده است (دریو ۱۳۷۱، ص ۴۹۷). عمده ترین عامل در شکل گیری مسکن در روستاهای دره ای عامل زیست محیطی و طبیعی است. استقرار این روستاها در جوار کوهستان ها موجب پیروی معماری محلی از شیوه های ساخت و ساز ویژه شده است؛ از جمله گرایش غالب در ساخت مسکن پلکانی و ارتفاعی که در این میان خصوصاً در روستاهای دره ای خراسان، وجود ایوان (مهتابی) مشهود است (حاتمی نژاد ۱۳۷۲، ص ۲۲).

مسکن روستایی برآیندی از پیوستگی انسان و محیط بوده که به منظور آسایش و ادامه زندگی و فعالیت خانوارهای روستایی، ایفای نقش می کند (بهبروز ۱۳۷۴، ص ۲۴۴).

در روستاهای مستقر در نواحی دره ای غرب شهرستان مشهد، با دو شکل استقرار سکونتگاه های روستایی مواجه هستیم. تعدادی از مسکن روستایی به حالت متمرکز و مجتمع شکل گرفته اند و از سوی دیگر، تعدادی از مسکن نیز در باغات ساخته شده و فضای مسکونی حالت خانه باغ به خود گرفته است. در نوع اول، جدایی مکانی بین منطقه مسکونی و باغات وجود دارد که ۸۰ درصد از مردم دارای چنین مراکز سکونتی می باشند. اما در شکل دوم که حدود ۲۰ درصد از منازل مسکونی دایمی را تشکیل می دهد، واحد فعالیت و واحد مسکونی در کنار یکدیگر قرار گرفته اند.

تعدادی از جمعیت ساکن در شهرها به ویژه شهر مشهد، به دلیل دارا بودن موقعیت اقتصادی مناسب، با خرید باغ ها در دره های غرب شهرستان مشهد، مسکن را در باغ ها احداث نموده و در فصل تابستان برای گذران اوقات فراغت، به ویژه در ایام تعطیلات در این مسکن سکنی می گزینند. این تیپ از مسکن به کلی متفاوت با مسکن روستاییان است.

استفاده از شیب آفتابگیر برای ساخت مسکن روستایی از ویژگی های بارز ساخت مسکن در دره های مورد مطالعه است. هر چند به دلیل محدودیت اراضی در مواردی از شیب های پشت به آفتاب نیز در ساخت مسکن استفاده شده که این مورد مشکلات بسیاری را برای روستاییان به ویژه در ابتلاء به بیماری های خاص چنین فضاهای زیستی، ایجاد نموده است. به طور مثال در روستاهای مورد مطالعه این پژوهش، به ویژه در روستاهای جاغرق، کنگ و نقندر به دلیل قرارگیری مسکن در فضای تنگ دره همراه با جداره های پر شیب، مکان محدودی را در اختیار روستاییان قرار داده است. در این جا فضای کافی و مطلوب برای توسعه خانه سازی وجود ندارد. لذا اهالی تا جایی که توانسته اند از دامنه های پشت به آفتاب نیز برای خانه سازی استفاده نموده اند که دارای نور بسیار کم - چون مسکن پشت به آفتاب هستند و نیز برای حفاظت از سرما، پنجره ها را بسیار کوچک طراحی می کنند - و رطوبت بسیار زیاد می باشند. لذا مشاهده می شود که بیشترین مراجعه کنندگان به خانه بهداشت روستای جاغرق دارای بیماری پوستی، به خصوص بیماری قارچ پوستی هستند. از آنجا که فصل سرما توأم با رطوبت زیاد است، به نظر می رسد شدت بیماری با این دو عامل ارتباط دارد.

همچنین در روستاهای مورد مطالعه به لحاظ محدودیت فضا و شیب تند اراضی، مشکلات زیست محیطی بسیاری مشاهده می شود؛ زیرا محدود بودن فضا و شیب تند، اهالی را واداشته است تا چاه های فاضلاب خود را در فواصل اندک بر روی دامنه ها حفر نمایند و یا اینکه فاضلاب و زباله های خود را مستقیماً به سوی رودخانه ها هدایت کنند. همچنین مشاهده می شود که گورستان ها در بالاترین نقطه روستا واقع شده و منبع تأمین کننده آب شرب در قسمت پایین روستا قرار دارد و جهت جریان آب زیرزمینی به طرف منبع آب شرب است. بدیهی است با نشت فاضلاب و سایر آلوده سازها به سفره آب زیرزمینی، خطرات بسیار جدی گریبانگیر اهالی خواهد شد، به طوری که در حال حاضر نیز با تبعات ناشی از آن دست و پنجه نرم می کنند. بیماری های اسهال و ژیاودیاز از عمده ترین بیماری هایی است که اهالی این روستاها را آزار می دهد.

معماری مسکن روستایی دره ای

در دو حالت، معماری مسکن روستایی در دره های غرب شهرستان مشهد را می توان بررسی کرد:

الف- از نظر ساخت بیرونی؛ اولین مسئله ای که قابل توجه است، پوشش پشت بام خانه هاست، زیرا بام خانه ها در خطوط اصلی خود، گواه قابلیت انطباق خانه با مقتضیات آب و هوایی است. اکثر مسکن دره ها دارای پشت بام های مسطح می باشند و این درحالی است که منازل قدیمی پوشش شیروانی دارند. این حالت حدود ۹۰ درصد مسکن قدیمی و سنتی را در بر می گیرد که می توان آن را جلوه ای از انطباق با شرایط اقلیمی پر برف این ناحیه در گذشته دانست. بقیه منازل قدیمی (حدود ۱۰ درصد دیگر) دارای سقف های مسطح می باشند.

در اکثر ساختمان ها، ایوان جزء جدایی ناپذیر واحد مسکونی است. وجود ایوان برای استفاده از سایه در تابستان های گرم و نیز از آفتاب در روزهای سرد پاییز می باشد.

شایان ذکر است که از نظر اراضی و فضای اشغال شده، مسکن سطوح خیلی کمی را اشغال کرده و غالباً دارای مساحتی کمتر از ۲۵۰ متر مربع می باشند. مسکن غالباً در دو طبقه احداث می شوند که این امر به علت کمبود اراضی و معیشت مبتنی بر دامداری و صنایع دستی است.

ب- از نظر معماری داخلی هر خانه دارای حداکثر سه اتاق، آشپزخانه و دالان (راهرو) است. اتاق ها در منازل قدیمی دارای دیوارهای قطور و پنجره های کوچک می باشند. وجود طاق ها وطاقچه های فراوان بر سطح درونی دیوار یکی از مشخصه های بارز این مسکن است. این بناها به خوبی توانسته اند شرایط سخت اقلیمی را تعدیل کنند، ولی در حال حاضر مسکن روستایی در این دره ها چهره نیمه شهری به خود گرفته و با استفاده از طرح و نقشه و نماهای مختلف، سازگاری خود با محیط طبیعی را به حداقل رسانده اند. تنور که در اغلب مسکن قدیمی دیده می شود، در مسکن جدید حذف شده است. در اکثر مسکن، فضایی برای نگهداری حیوانات و اتاقی نیز برای نگهداری علوفه اختصاص یافته است. به طور کلی می توان ابراز داشت که فضابندی داخلی مسکن متأثر از نوع معیشت روستاییان است:

- واحدهای مسکونی متعلق به خانوارهای باغدار، علاوه بر آن که دارای فضایی برای نگهداری حیوانات به خصوص حیوانات بارکش است، فضایی را نیز به عنوان انبار (سردخانه) برای نگهداری محصولات باغی (عمدتاً سیب و خشکبار) به خود اختصاص داده اند.

- واحدهای مسکونی متعلق به دامداران که فضایی را جهت طویله و انبار علوفه اختصاص داده اند.

- واحدهای مسکونی متعلق به خانوارهای شاغل در بخش صنایع دستی معمولاً در طبقه پایین منزل مسکونی خود اتاقی راجهت نصب دار قالی و یا سایر کارگاه های تولیدات دستی و انبار وسائل کار اختصاص داده اند (مطالعات میدانی نگارنده ۱۳۸۳).

از نقطه نظر مصالح بکار رفته در ساختمان های مسکونی معمولاً سه نوع تقسیم بندی زیر را در نظر می گیرند:

- استفاده از مصالح با دوام (مصالح با دوام شامل بتون تیر آهن می باشد)؛

- استفاده از مصالح نیمه با دوام (شامل واحدهای ساخته شده از آجر و چوب، و یا سنگ و چوب است)؛

- استفاده از مصالح کم دوام (شامل واحدهای ساخته شده با چوب، خشت و گل و ... است) (میرفندرسکی ۱۳۶۴، ص ۱۷).

مسکن روستایی دره های غرب شهرستان مشهد در گذشته با استفاده از مصالح کم دوام ساخته می شدند. این مصالح عمدتاً از محیط اطراف تأمین می شده است. محیط کوهستانی مشرف به دره ها، تأمین کننده سنگ های زیر بنای ساختمان ها می باشد. برای ساخت دیوارها از خشت خام، گل، سنگ و چوب و برای پوشش سقف ها نیز اغلب از چوب های محکم و شاخه درختان و گاه گل استفاده می شده است.

امروزه در ساخت مسکن جدید الاحداث سعی می شود تا از مصالح با دوام تری همچون آهن به جای تیرهای چوبی، و آجر و سیمان به جای خشت خام استفاده گردد. پنجره های آهنی بزرگ و حفاظ دار، استفاده از کاشی و سرامیک، فیرگونی و ایزوگام پشت بام مسکن و استفاده از آجرنما و سنگ جهت نمای بیرونی از دیگر مشخصه های ساختمان های جدید است. در استفاده از انواع مصالح موقعیت اقتصادی خانوارها بسیار مؤثر است.

مشکلات راه های ارتباطی و معابر

یکی از مشکلات اصلی در روستاهای دره ای، راه های ارتباطی و شبکه معابر جهت حمل و نقل کالا و عبور و مرور جمعیت روستایی است.

کوچه ها و معابر اکثراً به هم متصل هستند و این نوع معابر بیشتر به عنوان معابر خصوصی چند مسکن روستایی مورد استفاده قرار می گیرند. کلیه معابر خاکی و کم عرض و متغیر بین ۱/۵ تا ۲ متر و پر پیچ و خم بوده و خصیصه اصلی این محورها شیب تندی است که تابع شیب اصلی دره ها می باشد. استقرار بافت مسکونی روی تپه ها و دامنه ها، شیب های شدیدی را در معابر ایجاد کرده است.

شیب مضاعف موجود (شیبی که به کف دره یا کف رودخانه منتهی می شود و در جهت جریان آب است) و نیز تنگ، کم عرض و بن بست بودن معابر رفت و آمد را به خصوص در فصل زمستان بسیار مشکل می کند. عبور و مرور در بافت نامنظم چنین روستاهایی با توجه به رواج استفاده از ماشین آلات جهت حمل و نقل با مشکلاتی همراه است.

نتیجه گیری و پیشنهادات

بهره گیری از اطلاعات کمی بر آمده از شناخت و چگونگی پدیده ها و تحلیل آنها در برنامه ریزی های خرد و کلان جغرافیایی که به منظور توسعه شکل می گیرد، در حال حاضر امری اجتناب ناپذیر و ضروری است. توسعه اقتصادی، اجتماعی و یا فرهنگی اغلب پیامد و یا فرایند برنامه ریزی های مدوتی است که با شناخت کمی و کیفی و تعامل پدیده های جغرافیایی تحقق می یابد (مهدوی و طاهرخانی، ۱۳۸۳، ص ۱). به این لحاظ، در این تحقیق نیز پدیده های جغرافیایی در ارتباط با یکدیگر مورد سنجش قرار می گیرند؛ زیرا در روستاهای مورد مطالعه با افزایش ارتفاع روستاها، محدودیت خانه سازی تشدید می شود. با توجه به فرضیه مطرح شده در خصوص اثرات ارتفاع بر عدم توسعه خانه سازی در روستاها، به بررسی رابطه بین ارتفاع روستاها و سرانه مسکونی پرداخته می شود. برای بیان رابطه بین دو متغیر ارتفاع و سرانه مسکونی، پس از کسب اطمینان از توزیع نرمال داده ها (جدول شماره ۲) از همبستگی پیرسون استفاده شده است.

جدول ۲- آزمون نرمال بودن توزیع متغیرهای ارتفاع و سرانه مسکونی خانوار

آماره	ارتفاع به متر	سرانه مسکونی
تعداد	۷	۷
میانگین	۱۶۰۸/۵۷	۳۰/۵۲۸۶
انحراف معیار	۱۸۴/۴۳۰	۲۱/۶۹۲۳۰
Kolmogorov - smirnov z	۰/۵۳۵	۰/۵۹۴
Asymp.sig(2-tailed)	۰/۹۳۷	۰/۸۷۳ ^(۱)

۱- توزیع نرمال است.

جدول ۳- رابطه همبستگی میان ارتفاع و سرانه مسکونی

شرح	آماره	ارتفاع	سرانه مسکونی
ارتفاع	همبستگی پیرسون	۱	۰/۹۲۱ ^(۱)
	Sig.(2-tailed)	۰	۰/۰۰۳
	تعداد	۷	۷
سرانه مسکونی	همبستگی پیرسون	-۰/۹۲۱	۱
	Sig.(2-tailed)	۰/۰۰۳	۰
	تعداد	۷	۷

۱- همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنی دار است.

تحلیل همبستگی میان این دو متغیر، نشان می دهد که بین دو متغیر مذکور تناسب آماری معنا داری با اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد (جدول شماره ۳). بنابراین، این فرضیه که با افزایش ارتفاع روستاها سرانه مسکونی کاهش می یابد، تأیید می شود (ضریب همبستگی ۰/۹۲۱ - که در سطح ۰/۰۱ معنی دار می باشد).

عبور و مرور در بافت نامنظم چنین روستاهایی با توجه به کاربرد ماشین آلات جدید با مشکلاتی همراه است. اهمیت این مسئله به ویژه در هنگام بروز سوانح آشکار تر می گردد. آتش سوزی مهیب سوم مرداد ماه ۱۳۸۴ در روستای کنگ (که اخیراً به عنوان دهکده توریستی معرفی شده است) به خوبی گواهی بر این ادعا است. ماشین آلات آتش نشانی خود را به روستا رساندند، ولی به دلیل بافت نامنظم و پلکانی بودن مساکن، هنگامی موفق به مهار آتش شدند که تعداد زیادی از مساکن تبدیل به تلی از خاکستر شده بودند.

از طرفی شیب موجود و نیز تنگ و کم عرض بودن کوچه ها و بن بست ها، رفت و آمد عابرین پیاده را نیز به خصوص در فصل زمستان بسیار مشکل ساخته است؛ اما به دلیل محدودیت اراضی در بسیاری موارد تعریض و اصلاح معابر امکان پذیر نیست.

شرایط توپوگرافی، شیب تند اراضی و کوهستانی بودن مکان های استقرار روستاهای دره ای غرب شهرستان مشهد از گذشته های دور سبب ایجاد بافت خاصی از ساخت و سازها و مساکن روستایی گردیده است. مساکن چند طبقه با استحکام بسیار ضعیف و استفاده از مصالح کم دوام و ارزان قیمت، پنجره های کوچک که سبب کاهش نور در داخل محل سکونت گردیده، فاضلاب های غیر بهداشتی و ...، همچنین کوچه های کم عرض و باریک که سبب سایه افتادن بسیاری از مساکن می گردد، سبب ایجاد مشکلات بسیاری در مساکن روستاییان منطقه شده است. لذا برای برون رفت از این مشکلات لازم است:

- توسعه فیزیکی روستاها در قالب انجام طرح های هادی و بهسازی روستایی با توجه به ویژگی های طبیعی و اقتصادی و اجتماعی روستاها انجام پذیرد؛

- استفاده از مصالح با دوام برای ساخت مساکن عملی گردد؛

- ساخت مسکن به صورت کارگاه - مسکن باشد تا روستاییان از قسمت سکونتی برای رفاه و آسایش خانوار استفاده نموده و در کارگاه فعالیت های تولیدی خانوار نظیر صنایع دستی، دامداری، خشک کردن سر درختی ها، و... انجام پذیرد تا آلودگی های کارگاه به داخل محل سکونت خانوار کشیده نشود. به دلیل کمبود اراضی برای ساخت مسکن در روستاهای دره ای غرب شهرستان مشهد، مناسب تر است که مسکن به صورت دو طبقه (طبقه اول به عنوان کارگاه و نگهداری دام، و طبقه دوم برای زیست خانوار) در نظر گرفته شود.

- ساخت مسکن در شیب های رو به آفتاب علاوه بر تابش نور خورشید به داخل مسکن، به ویژه در روستاهای دره ای که در فصل زمستان با کاهش درجه حرارت مواجه هستند، سبب کاهش بسیاری از بیماری های این منطقه که به دلیل کاهش نور خورشید در روستاهای دارای مسکن پشت به آفتاب ظاهر می شود، گردیده و محیط مناسبی را برای زندگی روستاییان فراهم می نماید.

- دفع بهداشتی فاضلاب مسکن در روستاهای نقندر، جاغرق، زشک و ...، فاضلاب و حتی زباله روستاها به داخل رودخانه ها ریخته شده و سبب ایجاد بیماری های زیاد و حتی سالک در این روستاها می گردد. نفوذ فاضلاب به سفره آب زیرزمینی این روستاها نیز آلودگی آب شرب را سبب شده که خود برای روستاییان مسئله ساز است.

در این مورد احداث فاضلاب بتنی و هدایت فاضلاب به پایین دست روستاها، سبب حفاظت آنها از این آلودگی ها می شود. بنابراین مسکن روستاییان باید:

- مستحکم باشند تا حدی که در کوتاه مدت و میان مدت نیاز به تعمیر و مرمت نداشته باشند؛

- در برابر تهدیدهای سیل و زلزله مقاوم باشند؛

- بهداشتی و زیبا باشند، به نحوی که نیاز روستاییان را در داشتن مسکن متناسب با وضعیت معقول زندگیشان بر آورده سازد؛

- از نظر قیمت تمام شده، ارزان باشند تا روستاییان بتوانند هزینه ساخت آن را تأمین کنند؛

- کارگاه مسکن باشند؛

- صرفه جویی در کاربری اراضی برای ساخت مسکن، به ویژه در روستاهای دره ای و کوهستانی که با مشکل کمبود اراضی مواجه اند (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۲، صص ۱۰۳-۱۰۲).

- اصلاح شبکه معابر، در توسعه فیزیکی روستاها از اهمیت بسیار برخوردار است؛ در روستاهای دره ای غرب شهرستان مشهد که کمبود اراضی برای انواع کاربری ها کاملاً مشهود است، باید نهایت صرفه جویی در این زمینه اعمال شود. در این روستاها اصلاح شبکه معابر به دلیل وجود ماشین آلات جدید و لزوم رفت و آمد آنها، حفظ بهداشت محیط، ازدیاد جمعیت و لزوم تسهیلات عبور و مرور در سطح روستاها نیز ضروری است. در روستاهای دره ای این منطقه به دلیل کمبود اراضی و واقع شدن بافت مسکونی در شیب تند، باید حداقل عرض معابر را آن هم فقط برای گذرهای اصلی ملاک قرار داد و از وادار کردن مردم به اختصاص مقادیر زیادی از زمین های خود به معابر فرعی پرهیز نمود.

در این رابطه می توان معابر فرعی را بین ۲-۴ متر و معابر اصلی را ۸-۴ متر در نظر گرفت. کوچه ها و بن بست ها که اغلب در شیب بسیار تندی قرار گرفته اند و امکان حرکت وسایط نقلیه در آنها میسر نیست و یا کمبود زمین مانع از تعیین عرضی است که حرکت وسایلی چون تراکتور، تریلر و غیره در آن امکان پذیر باشد، کافی است معابر مذکور برای حرکت پیاده طراحی شود؛ بدین ترتیب می توان از حداقل عرض پیشنهادی که دو متر است، استفاده نمود (معاونت فنی و برنامه ریزی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰، ص ۲۷). در این کوچه ها که به عنوان معابر خصوصی چند خانه مطرح می باشند و شیب بسیار تندی را دارا هستند، می توان از روش پلکانی استفاده نمود. بدین ترتیب حرکت عابر پیاده با سهولت هر چه بیشتر انجام می گیرد. با توجه به پیشنهادهای مطرح شده، تعیین یک طرح مشخص و یک الگوی صریح توسعه و شکوفایی زندگی روستایی با پیش بینی و آینده نگری مسائل خاص اقتصادی و اجتماعی روستاهای دره ای برای توسعه باید مد نظر قرار گیرد و بر اساس شاخص های آن محیط مناسبی را برای زیست جمعیت در این تیپ از روستاها فراهم ساخت.

منابع و مآخذ:

- ۱- بهروز، فاطمه (۱۳۷۴)، زمینه های غالب در جغرافیای انسانی، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲- پاپلی یزدی، محمد حسین (۱۳۶۶)، فرهنگ آبادیها و مکانهای مذهبی کشور، انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۳- تولون، ب. (۱۳۷۴)، جغرافیای سکونت - سکونتگاههای روستایی، ترجمه محمد ظاهری، انتشارات دانشگاه تربیت معلم تبریز.
- ۴- حاتمی نژاد، حسین (۱۳۷۲)، تنگناهای توسعه فضایی در روستاهای دره ای گلیان، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۳۱.
- ۵- خانه بهداشت روستاهای نمونه (۱۳۸۳).
- ۶- دریو، ماکس (۱۳۷۱)، جغرافیای انسانی، ترجمه سیروس سهامی، انتشارات قومس.
- ۷- ساروخانی، باقر (۱۳۷۷)، روشهای تحقیق در علوم اجتماعی، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۸- سازمان مدیریت و برنامه ریزی خراسان رضوی، گروه GIS (۱۳۸۴).
- ۹- سعیدی، عباس (۱۳۷۳)، الزامات اجتماعی - اقتصادی در ساخت و ساز مسکن روستایی، مجموعه مقالات سمینار سیاستهای توسعه مسکن در ایران.
- ۱۰- شهبازی، اسماعیل (۱۳۷۶)، توسعه و ترویج روستایی، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۱- مرکز آمار ایران (۱۳۷۵)، شناسنامه آبادیهای کشور، شهرستان مشهد.
- ۱۲- مطالعات میدانی نگارنده در روستاهای نمونه (۱۳۸۳).
- ۱۳- مطیعی لنگرودی، سید حسن (۱۳۸۰)، روستا و روستا نشینی در ایران، مجله ی علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، ویژه نامه جغرافیا و توسعه، شماره ۱۴.
- ۱۴- مطیعی لنگرودی، سید حسن (۱۳۸۴)، گزارش نهایی طرح پژوهشی راه کارهای لازم برای کاهش تنگناها و...، معاونت پژوهشی دانشگاه تهران.
- ۱۵- مطیعی لنگرودی، سید حسن (۱۳۸۲)، برنامه ریزی روستایی، انتشارات جهاددانشگاهی مشهد.

- ۱۶- معاونت فنی و برنامه ریزی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (۱۳۷۰)، دستورالعمل اصلاح معابر روستایی، مجله ی مسکن و انقلاب، شماره ۳۲.
- ۱۷- مهدوی، مسعود و طاهرخانی، مهدی (۱۳۸۳)، کاربرد آمار در جغرافیا، انتشارات قومس.
- ۱۸- میرفندرسکی، مهدی (۱۳۶۶)، برنامه مسکن خراسان، اداره کل مسکن و شهرسازی خراسان.
- ۱۹- وثوقی، فاطمه (۱۳۷۷)، مسکن در خراسان، نشر پاژ.